



اثر تعدیل کننده کیفیت اطلاعات حسابداری بر رابطه بین ویژگی های کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی



ابوالفضل گل پور چمرکوهی

کارشناسی ارشد حسابرسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور، مازندران، نور
Abolfazlgolpour1995@gmail.com

چکیده:

ارتباط بین کمیته حسابرسی و حسابرس مستقل پیچیده است، و از درخواست خدمات حسابرسی توسط صاحبکار و از سوی دیگر فراهم کردن این خدمات توسط حسابرسان مستقل نشأت می گیرد. بنابراین هدف این تحقیق اثر تعدیل کننده کیفیت اطلاعات حسابداری بر رابطه بین ویژگی های کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی می باشد با توجه به هدف تحقیق، تجزیه و تحلیل اطلاعات آماری با استفاده از یک نمونه ۱۱۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸ است. آزمون فرضیات تحقیق با استفاده از روش رگرسیون خطی صورت گرفت. نتایج حاصل از آزمون فرضیات نشان داد که از بین ویژگی های کمیته حسابرسی (اندازه، استقلال، تخصص) فقط بین اندازه کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری یافت نشد و بررسی تاثیر تعدیل کننده کیفیت اطلاعات حسابداری بر رابطه بین ویژگی های کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی نشان داد که کیفیت اطلاعات حسابداری تنها بر رابطه ای اندازه کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی اثر معناداری ندارد.

کلمات کلیدی: کیفیت اطلاعات حسابداری، حق الزحمه حسابرسی، ویژگی کمیته حسابرسی

۱- مقدمه:

کمیته حسابرسی از زمان آغاز به کار خود در اوایل دهه ۱۹۴۰ میلادی نقش مهمی در اداره امور شرکت ها داشته و در دو دهه اخیر، در پی رسوایی شرکت های بزرگ (همچون، انرون، ورلداکام و تایکو) اهمیت آن در سایه اهمیت اصول حاکمیت شرکتی افزایش یافته است اور شور، (۲۰۰۸). این کمیته، از طریق نظارت بر روند گزارشگری مالی شامل سیستم کنترل داخلی و استفاده از اصول پذیرفته شده حسابداری و نیز نظارت بر عملکرد حسابرسی مستقل و حسابرس داخلی، موجب می شود تا اشتباهات عمدی و سهوی در اندازه گیری های حسابداری و افشای موارد با اهمیت مالی و نیز کلاهبرداری و اعمال غیر قانونی مدیریت، کاهش یابد. بدارد و گندرون (۲۰۰۹) نیز معتقدند که کمیته حسابرسی کیفیت اطلاعات را به طور مستقیم از طریق نظارت بر گزارشگری مالی و به طور غیرمستقیم با اعمال مراقبت و توجه به کنترل های داخلی و حسابرس مستقل افزایش می دهد و در انتها، بهبود کیفیت اطلاعات و کنترل های قوی می تواند منجر به افزایش اعتماد و اطمینان سرمایه گذاران از کیفیت گزارشگری و کارایی بازارهای مالی گردد (رحیمیان و توکل نیا، ۱۳۹۰).

از وظایف مهم کمیته حسابرسی، می توان به بررسی برنامه اولیه حسابرسی و نتایج مربوط به آن (دزورت، ۱۹۹۷) و تعامل با حسابرسان مستقل در فرایند گزارشگری مالی (کلین، ۲۰۰۲) اشاره کرد. این کمیته در روند مذاکرات و تعیین دامنه حسابرسی دخالت دارد و می تواند بر برنامه و دامنه حسابرسی و در نتیجه حق الزحمه حسابرسی اثرگذار باشد (چان و همکاران، ۲۰۱۳). کمیته حسابرسی در حوزه نظارتی خود می تواند اقداماتی انجام دهد، که منجر به نتایجی در رابطه با سطح بالاتر کیفیت حسابرسی از قبیل افزایش تغییرات تداوم فعالیت برای شرکتهای بحران زده (کارسلو و نیل، ۲۰۰۰) و انتخاب حسابرسان متخصص صنعت (ابوت و پارکر، ۲۰۰۱) شود. از این رو، می توان استدلال کرد که کمیته حسابرسی برای افزایش کیفیت سطح اطمینان بخشی حسابرسی خواهان انجام کار بیشتر توسط تیم حسابرسی است و در نتیجه با افزایش حجم عملیات حسابرسی، حق الزحمه حسابرسی افزایش پیدا می کند. با توجه به مطالب مطرح شده در فوق سوال اصلی تحقیق حاضر این است که آیا کیفیت اطلاعات حسابداری بر رابطه بین ویژگی های کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی اثر تعدیل کننده دارد؟

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

ارتباط بین کمیته حسابرسی و حسابرس مستقل پیچیده است، و از درخواست خدمات حسابرسی توسط صاحبکار و از سوی دیگر فراهم کردن این خدمات توسط حسابرسان مستقل نشأت می گیرد (پائول و گرگوری، ۱۹۹۶). از جنبه درخواست خدمات، حضور کمیته حسابرسی ممکن است منجر به افزایش حق الزحمه حسابرسی شود، زیرا این کمیته باید از اینکه مدت زمان حسابرسی در سطحی باشد که کیفیت حسابرسی را به خطر نیندازد، اطمینان حاصل کند (کمیته کادبری، ۱۹۹۲). از نظر تأمین خدمات، ممکن است دخالت کمیته حسابرس در تقویت کنترل های داخلی، حسابرسان مستقل را به کاهش سطح ارزیابی ریسک کنترل وادارد، که این امر خود منجر به کاهش ارزیابی های عمده توسط حسابرسان و پس از آن، حق الزحمه حسابرسی می شود (پائول و گرگوری، ۱۹۹۶). حال این موضوع مورد بحث قرار می گیرد که چگونه ویژگی های کمیته حسابرسی با فعالیت حسابرسی در ارتباط است. آیا افزایش ویژگی های مثبت کمیته از قبیل تخصص، استقلال و اندازه (کیفیت کمیته حسابرسی منجر به درخواست کیفیت و تلاش بیشتر در حسابرسی می شود. به عقیده ابوت و همکاران (۲۰۰۳)، کمیته حسابرسی می تواند از دو طریق بر حق الزحمه حسابرسی اثرگذار باشد. اولاً کمیته حسابرسی بر حق الزحمه از طریق انتخاب حسابرسان اثر می گذارد. برای مثال، اگر یک حسابرس با کیفیت انتخاب شود، حق الزحمه افزایش پیدا می کند. ثانیاً، کمیته حسابرسی از طریق تأثیر خود بر برنامه و دامنه حسابرسی، بر میزان تلاش حسابرس و در نتیجه حق الزحمه ها اثرگذار است. از سوی دیگر، یک تصور عامیانه این است که هیئت مدیره های با سطح کیفی بالا، تمایل دارند از شهرت خود دفاع کنند و از بروز شکایت پرهیز نمایند (فاما و جنسن ۱۹۸۳؛ گیلسون، ۱۹۹۰). این ایده کلی را نیز می توان برای کمیته حسابرسی و اعضای آن در نظر گرفت. کمیته حسابرسی با کیفیت، احتمالاً برای حفظ جایگاه خود در شرکت، درخواست حسابرسی با کیفیت تری کند (کارسلو و همکاران، ۲۰۰۲). چنین استدلالی نشان دهنده یک رابطه مستقیم بین کیفیت کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی است. همچنین یافته های پائول و گرگوری (۱۹۹۶) و استوارت و کنت (۲۰۰۶) نشان از تأثیر مثبت وجود کمیته حسابرسی بر حق الزحمه های حسابرسی دارد. در مقابل، چان و همکاران (۲۰۱۳) بیان می کنند که کیفیت کمیته حسابرسی می تواند با حق الزحمه حسابرسی رابطه منفی داشته باشد. به بیان دیگر کیفیت بالای کمیته حسابرسی تلاش حسابرس را کاهش می دهد. یافته های کریشنان و ویسواناتان (۲۰۰۹) نیز گویای این مطلب است. آنها نشان دادند که کیفیت کمیته حسابرسی رابطه منفی با حق الزحمه حسابرسی دارد. به بیان دیگر کیفیت کمیته حسابرسی با کاهش ریسک کنترل و در نهایت ریسک حسابرسی ارتباط دارد و با افزایش کیفیت کمیته حسابرسی نیاز به خدمات حسابرس مستقل کاهش می یابد.



ششمین کنفرانس بین المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق

۳۰ خرداد ۱۴۰۱ - تهران

سین سیانو و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی با بررسی رابطه توانایی‌های مدیران و نگهداری وجه نقد، دریافتند که توانایی مدیران و نگهداری وجه نقد دارای رابطه منفی و معناداری است. بدین معنا که با افزایش توانایی مدیران، میزان وجه نقد نگهداری شده کاهش می‌یابد. یی‌لو و همکاران (۲۰۱۸) نیز با بررسی رابطه افشای اطلاعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی و نگهداری وجه نقد، دریافتند که افشای اطلاعات مسئولیت‌پذیری اجتماعی و نگهداری وجه نقد دارای رابطه مثبت و معنادار است و این مسئله در شرکت‌هایی که از شفافیت اطلاعات کمتری برخوردار هستند، بیشتر است. سانتانیو میترا و همکاران (۲۰۱۷)، به بررسی تاثیر مالکیت مدیریتی بر رابطه بین ضعف کنترل داخلی و حق الزحمه حسابرسان پرداختند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که مالکیت مدیریتی (تا ۵ درصد) تاثیریری بر رابطه ای بین حق الزحمه حسابرسی و ضعف کنترل داخلی ندارد. ولی زمانی که درصد مالکیت مدیریتی از پنج تا بیست و پنج درصد می شود، تاثیر مثبت و معناداری بر رابطه بین حق الزحمه حسابرسی و ضعف کنترل داخلی دارد. و این تاثیر حتی بیشتر از زمانی است که در صد مالکیت مدیریتی بیش از بیست و پنج درصد می شود. لی هونگ و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی رابطه ویژگی‌های کمیته حسابرسی و نگهداری وجه نقد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تایوان پرداختند و دریافتند که ویژگی‌های کمیته حسابرسی می‌تواند بر نگهداری وجه نقد اثر مثبت و معناداری داشته باشد. یحیی (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی عوامل موثر بر حق الزحمه حسابرسی پرداخت. توجه ویژه او در تحقیقات بر تاثیر بالقوه اندازه صاحبکار، پیچیدگی مشتری، سودآوری، ریسک مشتری، اندازه حسابرس و دوره تصدی حسابرس در حق الزحمه حسابرسی می باشد نمونه آماری تحقیق شامل ۱۱۷ شرکت های اردنی غیر مالی پذیرفته شده بورس اوراق بهادار طی دوره زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ می باشد. یافته های پژوهش حاکی از آن است که بین اثرات دوره تصدی حسابرس و ریسک صاحبکار رابطه معناداری وجود ندارد، همچنین بین حق الزحمه حسابرسی و ریسک مالی رابطه منفی و معنادار وجود دارد، از طرف دیگر، نتایج تجربی نشان داد که بین دوره تصدی حسابرسی با حق الزحمه حسابرسی رابطه معنی داری وجود ندارد. رید و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی تأثیر تغییرات در گزارشگری حسابرس و کمیته حسابرسی بر کیفیت حسابرسی در بریتانیا پرداختند. معیار آن‌ها برای کیفیت حسابرسی اقلام تعهدی غیرعادی و تلاش برای تحقق انتظارات تحلیل گران از سود شرکت بود. آن‌ها نشان دادند اگرچه حق الزحمه‌های حسابرسی بعد از تغییرات افزایش یافته است، اما این افزایش با افزایش‌های سال مای قبل تفاوت بااهمیتی ندارد. بنابراین تغییرات در نحوه گزارشگری باعث افزایش حق الزحمه حسابرسی نشده است. آن‌ها همچنین شواهدی برای تأثیر منفی تغییرات بر ارائه دیر هنگام گزارش‌های حسابرسی نیافتند. در نهایت آن‌ها دریافتند که تغییرات اخیر باعث افزایش کیفیت حسابرسی و همچنین عدم تحمیل هزینه‌های اضافی به شرکت‌ها شده است. کامیابی و بوژمهرانی (۱۳۹۹) ویژگی‌های کمیته حسابرسی، کیفیت افشا و نسبت غیرموظف اعضای هیئت‌مدیره مورد بررسی قرار دادند و یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است نسبت غیرموظف اعضای هیئت‌مدیره بر رابطه‌ی بین تجربه اعضای کمیته حسابرسی و کیفیت افشا تأثیر مثبت و معناداری دارد اما بر رابطه‌ی بین سایر ویژگی‌های کمیته حسابرسی و کیفیت افشا اثر تعدیل کننده ندارد. اورادی و دیگران (۱۳۹۵) به بررسی رابطه بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و عملکرد شرکت‌ها پرداختند و نتایج آزمون فرضیه‌ها با استفاده از رگرسیون چندگانه ترکیبی حاکی از آن است که بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و عملکرد مبتنی بر معیارهای Q تو بین و بازده دارایی‌ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین بین استقلال کمیته حسابرسی و عملکرد مبتنی بر بازده دارایی‌ها رابطه مثبت و معناداری مشاهده شد. در عین حال، بین استقلال کمیته حسابرسی با عملکرد مبتنی بر Q تو بین و اندازه کمیته حسابرسی با معیارهای Q تو بین و بازده دارایی‌ها رابطه معناداری مشاهده نگردید. لاری دشت بیاض و اورادی (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان ویژگی‌های کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران، به بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی (شامل تخصص مالی، استقلال و اندازه) بر حق الزحمه حسابرسی پرداختند. به همین منظور، از داده‌های مربوط به شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی

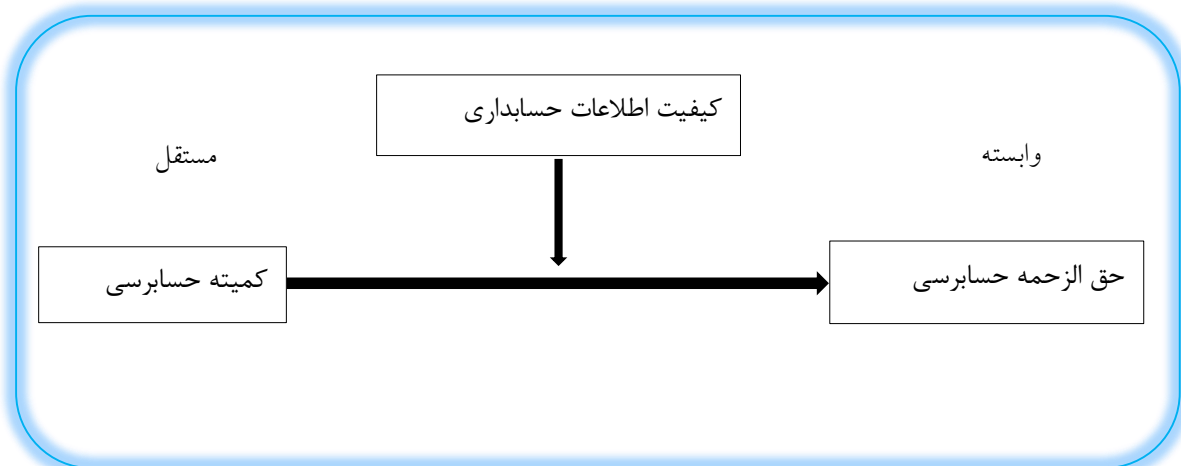


۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ استفاده کردند. و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل رگرسیونی داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تخصص مالی و استقلال کمیته حسابرسی ارتباط مثبت و معناداری با حق الزحمه حسابرسی دارند. ولی ارتباط معناداری بین اندازه کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی مشاهده نشد. همچنین، در ارتباط با متغیرهای کنترلی استفاده شده در این پژوهش، یافته‌ها نشان از ارتباط مثبت و معنادار بین اهرم مالی، نسبت حساب‌های دریافتی و موجودی کالا، اندازه مؤسسه حسابرسی و تعداد جلسات هیئت‌مدیره با حق الزحمه حسابرسی دارد. پورحیدری و گل محمدی شورکی (۱۳۹۴) در تحقیقی به بررسی تأثیر ریسک وضعیت مالیاتی شرکت بر حق الزحمه حسابرسی پرداختند. حسابرسان برای قیمت گذاری خدمات حسابرسی از عوامل گوناگونی استفاده می‌کنند. از لحاظ نظری ریسک و پیچیدگی واحدی که رسیدگی می‌شود از عوامل اصلی مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی است. ریسک یاد شده از طریق اندازه‌ی نرخ مؤثر مالیاتی شرکت کمی سازی می‌شود. در این راستا، هر چه نرخ مؤثر مالیاتی کمتر باشد ریسک وضعیت مالیاتی شرکت (اجتناب مالیاتی) بیشتر است. برای بررسی این موضوع نمونه‌ای متشکل از ۶۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ انتخاب شد. فرضیه‌های پژوهش به کمک تحلیل رگرسیون بررسی شدند. شواهد پژوهش نشان می‌دهد رابطه منفی (مثبت) و معناداری میان نرخ مؤثر مالیات (ریسک وضعیت مالیاتی) و حق الزحمه حسابرسی وجود دارد. به بیانی، هر چه وضعیت مالیاتی شرکت از ریسک بیشتری برخوردار باشد حق الزحمه حسابرسی بیشتری پرداخت می‌شود همچنین نتایج پژوهش برقراری رابطه مثبت و معنادار میان اندازه شرکت و گزارش زیان را تایید کرد و نشان داد میان اهرم مالی و اظهارنظر تعدیل شده با حق الزحمه حسابرسی رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

۳

۳- مدل مفهومی و فرضیه‌های پژوهش

۳-۱- مدل مفهومی پژوهش



نرخ بازدهی دارایی

اندازه هیات مدیره

استقلال هیات مدیره

سهامداران نهادی

کنترلی

نمودار (۱-۱) مدل مفهومی تحقیق



۲-۳- فرضیه های پژوهش

با توجه به مطالب پیش گفته و به منظور رسیدن به پاسخ مسأله پژوهش، فرضیه هایی به شرح زیر تدوین شده است :

فرضیه اول: بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد .

فرضیه دوم: بین استقلال کمیته حسابرسی و حق الزحمه د سایر سی رابطه معناداری وجود دارد .

فرضیه سوم: بین اندازه کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد .

فرضیه چهارم: کیفیت اطلاعات حسابداری بر رابطه بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی تاثیر معناداری دارد.

فرضیه پنجم: کیفیت اطلاعات حسابداری بر رابطه بین استقلال کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی تاثیر معناداری دارد.

فرضیه ششم: کیفیت اطلاعات حسابداری بر رابطه اندازه کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی تاثیر معناداری دارد.

۴- روش پژوهش، جامعه آماری و حجم نمونه

در این پژوهش برای جمع آوری داده ها و اطلاعات مورد نیاز، ابتدا از روش کتابخانه ای و مطالعات اسنادی استفاده شده که بر این اساس، مبانی نظری و ادبیات پژوهش از کتب و مجلات تخصصی لاتین و فارسی گردآوری می گردد. برای بررسی نوع رابطه بین متغیرها و ارائه مدل پیش بینی، از روش رگرسیون استفاده می شود؛ و برای آزمون فرضیات تحقیق و مدل های استفاده شده، از روش های تعیین مدل مناسب تخمین استفاده خواهد شد. در راستای تعیین روش آزمون فرضیه های تحقیق از آزمون های لیمر و هاسمن استفاده می گردد. در آزمون لیمر، فرضیه صفر بیانگر استفاده از روش حداقل مربعات معمولی پولینگ است. به بیان دیگر، رد فرضیه صفر مبین استفاده از روش داده های تلفیقی (اثرات ثابت یا تصادفی) است؛ و در آزمون هاسمن بی صورتی که اگر در آزمون لیمر تشخیص داده شود که می توان برای تمام مقاطع یا زمان های شامل در مطالعه، عرض از مبدأهای جداگانه در نظر گرفت- یعنی الگوی اثرات ثابت گروهی یا زمانی- محقق باید به تخمین اثرات تصادفی گروهی یا زمانی نیز مبادرت ورزد و سپس با استفاده از آزمون هاسمن به بحث انتخاب بین الگوی اثرات ثابت و اثرات تصادفی بپردازد.

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه شرکت های سهامی عام پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۴ الی ۱۳۹۸ است. نمونه آماری تحقیق شامل شرکت هایی است که حائز شرایط زیر باشند:

۱- شرکت هایی که قبل از سال ۱۳۹۴ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده و تا پایان سال ۱۳۹۸ از فهرست شرکت های بورسی حذف نشده باشند.

۲- به منظور افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی آن ها منتهی به ۲۹ اسفندماه باشد.

۳- طی دوره مورد نظر، تغییر فعالیت و یا تغییر سال مالی نداده باشند.

۴- جزء شرکت های سرمایه گذاری و واسطه گری مالی نباشند (شرکت های سرمایه گذاری، به علت تفاوت ماهیت فعالیت با بقیه شرکت ها، در جامعه آماری منظور نشده اند).

۵- وقفه معاملاتی نداشته باشند.

در نهایت حجم نمونه نهایی با توجه به روش غربالگری و بر اساس معیارهای فوق ۱۱۳ شرکت است.

۵- مدل رگرسیونی پژوهش:

مدل پژوهش و اندازه گیری متغیرهای پژوهش برای آزمون فرضیه های پژوهش از مدل کلی زیر استفاده شده است :



$$LNAFEE_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 AIQ_{i,t} + \beta_2 ACFE_{i,t} + \beta_3 ACIND_{i,t} + \beta_4 ACSIZE_{i,t} + \beta_5 AIQ_{i,t} * ACFE_{i,t} + \beta_6 AIQ_{i,t} * ACIND_{i,t} + \beta_7 AIQ_{i,t} * AUDSIZE_{i,t} + \beta_8 IOWN_{i,t} + \beta_9 IND_{i,t} + \beta_{10} ROA_{i,t} + \beta_{11} BSIZE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

$LNAFEE_{i,t}$: حق الزحمه حسابرسی شرکت i در سال t
 $AIQ_{i,t}$: کیفیت اطلاعات حسابداری شرکت i در سال t
 $AUDSIZE_{i,t}$: اندازه کمیته حسابرسی شرکت i در سال t
 $ACIND_{i,t}$: استقلال کمیته حسابرسی شرکت i در سال t
 $ACFE_{i,t}$: تخصص کمیته حسابرسی شرکت i در سال t
 $IOWN_{i,t}$: سهامداران نهادی شرکت i در سال t
 $IND_{i,t}$: استقلال هیئت مدیره شرکت i در سال t
 $ROA_{i,t}$: نرخ بازده دارایی شرکت i در سال t
 $BSIZE_{i,t}$: اندازه هیئت مدیره شرکت i در سال t
 $\varepsilon_{i,t}$: ضریب خطای رگرسیونی

۵-۱-۵- تعریف عملیاتی و نحوه اندازه گیری متغیرهای پژوهش

۵-۱-۱- متغیر وابسته: حق الزحمه حسابرسی

متغیر وابسته پژوهش حق الزحمه حسابرسی ($LNAFEE_{it}$): برابر است با لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی سجادی و همکاران، ۱۳۹۴؛ ابوت و همکاران، ۲۰۰۳؛ زمان و همکاران، ۲۰۱۱؛ چان و همکاران، ۲۰۱۳) |

۵-۱-۲- متغیر مستقل: ویژگی های کمیته حسابرسی

تخصص مالی کمیته حسابرسی ($ACEXP_{it}$): برابر است با درصد اعضای دارای تخصص مالی در کمیته حسابرسی (فخاری و همکاران، ۱۳۹۴؛ زمان و همکاران، ۲۰۱۱). مطابق بند شش ماده ۱ منشور کمیته حسابرسی، تخصص مالی اعضا مدرک دانشگاهی یا مدرک حرفه‌ای داخلی با معتبر بین المللی در امور مالی حسابداری، حسابرسی، مدیریت مالی، اقتصاد، سایر رشته های مدیریت با گرایش مالی یا اقتصادی همراه با توانایی تجزیه و تحلیل صورتها و گزارش های مالی و کنترل های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی، تعریف می شود (سازمان بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۹۱).

استقلال کمیته حسابرسی ($ACIND_{it}$): برابر است با درصد اعضای مستقل در کمیته حسابرسی (فخاری و همکاران، ۱۳۹۴). عضو مستقل بر اساس بند یک ماده ۱ منشور کمیته حسابرسی، عضوی است فاقد هرگونه رابطه با منافع مستقیم یا غیرمستقیم که بر تصمیم گیری مستقل وی اثرگذار باشد، موجب جانب داری وی از منافع فرد یا گروه خاصی از سهامداران با سایر ذینفعان شود یا سبب عدم رعایت منافع یکسان سهامداران گردد، تعریف شده است سازمان بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۹۱).

اندازه کمیته حسابرسی ($ACSIZE_{it}$): برابر است با تعداد اعضای حاضر در کمیته حسابرسی (فخاری و همکاران، ۱۳۹۴؛ زمان و همکاران، ۲۰۱۱). کمیته حسابرسی طبق بند ۱ ماده ۵ منشور کمیته از سه تا پنج عضو با انتخاب و انتصاب هیئت مدیره تشکیل می گردد سازمان بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۹۱).

۵-۱-۳- متغیر تعدیل کننده: کیفیت اطلاعات حسابداری



برای اندازه گیری کیفیت اطلاعات حسابداری همانند چن و همکاران (۲۰۱۱)، گوماریز و بلستا (۲۰۱۴) از معیار قدر مطلق پسماندهای برآوردی، مدل درآمدی مک نیکوالس و استابن (۲۰۰۸) استفاده شده است. مزیت اصلی مدل درآمدی برای اندازه گیری کیفیت اطلاعات حسابداری این است که هر یک از اجزاء غیراختیاری را که از طریق مدل‌های مبتنی بر اقالم تعهدی قابل دست یابی نیستند را نیز میتوان تعیین نمود

$$AR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Sales_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

در مدل فوق AR تغییرات در حسابهای دریافتنی، Sales تغییرات فروش و ε خطاهای برآوردی مدل است. همه متغیرها با تقسیم بر کل دارایی‌ها در سال $t-1$ همگن شده اند. معیار استخراج شده از مدل فوق، قدر مطلق پسماندهای برآوردی مدل است که برای هر شرکت در هر سال برآورد میشود و بر مبنای آن کیفیت اطلاعات حسابداری به شرح رابطه (۶) اندازه گیری میشود. لازم به ذکر است، جهت سهولت در تفسیر نتایج قدر مطلق خطاهای برآوردی مدل در یک منفی ضرب می شوند؛ لذا مقادیر بیشتر این معیار به بال بودن میزان دقت در کیفیت اطلاعات حسابداری اشاره دارد.

$$AQ_{i,t} = -\varepsilon_{i,t}$$

۴-۱-۵- متغیرهای کنترلی

$IOWN_{i,t}$: سهامداران نهادی شرکت i در سال t : درصد مالکیت نهادی برابر درصد سهام در ادتیار نهادها می باشد.

$IND_{i,t}$: استقلال هیئت مدیره شرکت i در سال t : نسبت تعداد اعضای غیرموظف هیئت مدیره به کل اعضا

$ROA_{i,t}$: نرخ بازده دارایی شرکت i در سال t : برابر است با سود خالص تقسیم بر کل دارایی

$BSIZE_{i,t}$: اندازه هیئت مدیره شرکت i در سال t : تعداد اعضای موظف و غیرموظف عضو هیات مدیره



۶- نتایج آماری پژوهش

۶-۱- ویژگی های توصیفی متغیرها

این ویژگی ها شامل اطلاعات آماری همانند میانگین، میانه، ماکزیمم، مینیمم، انحراف معیار و تعداد مشاهدات می باشد که اطلاعات اولیه ای از چگونگی داده های مورد استفاده در مدل به ما می دهد.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

آمار توصیفی	حق الزحمه حسابرسی	کیفیت اطلاعات حسابداری	اندازه کمیته حسابرسی	استقلال کمیته حسابرسی	تخصص کمیته حسابرسی	سهامداران نهادی	استقلال هیئت مدیره	نرخ بازده دارایی	اندازه هیئت مدیره
میانگین	۶/۶۳۰۳۹	۶/۰۲۵۹	۳/۱۱۵۹	۰/۹۷۱۰	۲/۳۸۰۴	۴/۴۳۵۳	۰/۶۹۹۷	۰/۰۹۴۸	۵/۰۱۰۸
میانه	۵/۵۷۰۴	۰/۰۲۲۸	۳/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۳/۰۰۰۰	۳/۹۵۰۰	۰/۸۰۰۰	۰/۰۷۲۴	۵/۰۰۰۰
بیشینه	۹/۵۰۸۶	۳۰/۸۹۵۹	۵/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۴/۰۰۰۰	۹/۲۳۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۵۴۵۳	۶/۰۰۰۰
کمینه	۲/۹۴۴۸	۱۵/۱۳۱۸ -۴	۳/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰	۰/۲۰۰۰	۰/۲۲۴۹	۴/۰۰۰۰
انحراف معیار	۰/۹۰۳۰	۷/۸۷۶۹	۰/۴۳۶۰	۰/۱۶۸۰	۰/۱۸۵۵۰	۲/۳۸۲۹	۰/۱۸۲۲	۰/۱۱۵۹	۰/۱۳۴۴
ضریب چولگی	۳/۰۷۵۲۰	-۱۵/۴۵۱۵	۳/۷۵۱۴	۵/۶۱۵۱	۰/۱۸۴۸۸	۰/۵۵۴۸	۰/۵۸۱۷	۰/۹۱۴۸	۴/۲۵۸۱
ضریب کشیدگی	۰/۳۰۱۴	۲۸/۴۷۲۴ ۶	۱۵/۷۶۰۶	۳/۵۲۹۸	۳/۳۲۰۲	۲/۰۵۸۹	۳/۱۵۳۳	۴/۳۱۸۸	۵/۵۰۷۶ ۴
تعداد مشاهدات	۵۶۵	۵۶۵	۵۶۵	۵۶۵	۵۶۵	۵۶۵	۵۶۵	۵۶۵	۵۶۵

مأخذ: محاسبات تحقیق

در جدول ۱ برخی از مفاهیم آمار توصیفی متغیرها شامل میانگین، میانه، حداقل، حداکثر مشاهده ها به عنوان شاخص های مرکزی و انحراف معیار به عنوان شاخص پراکندگی و ضریب کشیدگی، ضریب چولگی به عنوان شاخص های توزیعی ارائه شده است. برای مثال مقدار میانگین برای متغیر افشای سرمایه فکری برابر با ۸/۹۸۹ می باشد که نشان می دهد بیشتر داده ها حول این نقطه تمرکز یافته اند. میانه یکی دیگر از شاخص های مرکزی است. همان طور که نتایج نشان می دهد میانه سهامداران نهادی برابر با ۳۰/۹۵۰۰ می باشد که بیانگر این است که نیمی از داده ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند. انحراف معیار یکی از مهمترین پارامترهای پراکندگی است و معیاری برای میزان پراکندگی مشاهدات از میانگین است؛ مقدار این پارامتر برای متغیر استقلال هیئت مدیره برابر با ۰/۱۸۲۲ است.



۶-۲- نتایج برآورد مدل پژوهش

۶-۲-۱- آزمون F لیمر

جدول ۲ نتایج آزمون آزمون بروش پاگان - کوک و ویسبرگ برای کشف ناهمسانی واریانس:

آزمون F لیمر

نوع آزمون	مدل فرضیه	نوع مدل	P-Value	درجه آزادی	مقدار آماره
آزمون F لیمر	مدل	پانل	۰/۰۳۰۱	۶۸/۲۶۴	F= ۰/۰۳۷۸

مأخذ: محاسبات پژوهش

با توجه به جدول ۲، چون احتمال آماره آزمون کوچکتر از ۰/۰۵ می باشد، فرض H_0 مبنی بر پولینگ بودن داده ها رد می شود. بنابراین با توجه به آزمون لیمر، داده ها پانل می باشد حال باید آزمون هاسمن را انجام داد.

۶-۲-۲- آزمون هاسمن

جدول ۳: آزمون هاسمن

نوع آزمون	مدل فرضیه	نوع مدل	P-Value	درجه آزادی	مقدار آماره
آزمون هاسمن	مدل	اثرات ثابت	۰/۰۰۹۹	۶	$\chi^2 = ۱۶/۸۴۴۸$

مأخذ: محاسبات پژوهش

با توجه به جدول ۳ طبق نتایج حاصل از آزمون هاسمن برای فرضیات تحقیق، با توجه به اینکه در ازاء $\alpha = 0.05$ ، میزان آماره هاسمن برای مدل اول تا چهارم کمتر از ۰/۰۵ است. و از طرفی میزان $P\text{-Value} < 0.05$ است، لذا فرضیه صفر رد می شود. رد فرضیه صفر (H_0) نشان می دهد که روش اثرات تصادفی ناسازگار می باشد و بایستی از روش اثرات ثابت استفاده شود.

۶-۳- نتایج آزمون مدل تحقیق

نتایج حاصل از برآورد مدل تحقیق به شرح جدول ۴ می باشد.

متغیر وابسته (حق الزحمه حسابرسی)	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری (sig)
C (ضریب ثابت)	۹/۷۱۰۹	۶/۵۲۰۱	۱/۴۸۹۳	۰/۱۳۸۰
AIQ (کیفیت اطلاعات حسابداری)	-۰/۳۵۰۱	۳/۱۶۴۷	۲/۷۵۱۴	۰/۰۰۰۰
ACFE (تخصص کمیته حسابرسی)	۰/۱۱۶۱	۰/۰۱۹۰	۶/۰۸۴۲	۰/۰۰۰۰



۰/۰۰۰۰	۵/۸۸۷۰	۲/۵۳۳۶	۱۴/۹۱۵۷	ACIND (استقلال کمیته حسابرسی)
۰/۲۵۵۱	۲/۲۴۹۶	۰/۱۱۳۱	۰/۲۵۴۵	AUDSIZE (اندازه کمیته حسابرسی)
۰/۰۰۰۰	۵/۸۲۳۵	۰/۲۸۶۱	-۰/۴۶۲۰	AIQ * ACFE (کیفیت * تخصص)
۰/۰۳۶۴	۴/۲۴۰۸	۲/۶۲۵۰	-۰/۳۸۰۷	AIQ * ACIND (کیفیت * استقلال)
۰/۱۵۹۷	۱/۳۸۲۵	۳/۶۴۲۸	-۰/۳۶۴۵	AIQ * AUDSIZE (کیفیت * اندازه)
۰/۳۹۲۸	-۰/۸۵۶۴	۰/۰۰۲۸	-۰/۰۰۲۴	IOWN (سهامدارن نهادی)
۰/۳۶۸۲	۰/۹۰۱۹	۰/۲۷۳۱	۰/۲۴۶۳	IND (استقلال هیئت مدیره)
۰/۰۰۰۰	۱۹/۴۸۲۵	۰/۶۵۶۲	۱۲/۷۸۵۴	ROA (نرخ بازده دارایی)
۰/۸۴۸۱	-۰/۱۹۱۸	۱/۳۰۲۱	-۰/۲۴۹۷	BFSIZE (اندازه هیئت مدیره)
۲/۲۷۰	آماره دوربین واتسن		۱۴۳/۱۱۲۸)۰/۰۰۰۰۰۰(آماره F فیشر (سطح معنی داری)
۰/۷۷۴	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۷۸۱	ضریب تعیین

۹

قبل از آزمون فرضیه پژوهش براساس نتایج به دست آمده، باید از صحت نتایج اطمینان حاصل نمود. بدین منظور برای بررسی معناداری کل مدل از آزمون F استفاده گردید. با توجه به احتمال آماره F محاسبه شده (۰/۰۰۰)، می توان ادعا نمود که مدل رگرسیونی برازش شده معنادار است. با توجه به ضریب تعیین مدل برازش شده می توان ادعا نمود، حدود ۷۸ درصد از تغییرات در متغیر وابسته مدل (حق الزحمه حسابرسی)، توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می شود.

ضریب برآوردی متغیرهای مستقل در جدول بالا نشان دهنده رابطه معنادار میان اندازه کمیته حسابرسی، استقلال کمیته حسابرسی، تخصص کمیته حسابرسی با حق الزحمه حسابرسی در سطح خطای ۰/۰۵ است. زیرا میزان p-value محاسبه شده برای ضریب این متغیر مستقل تحقیق، کمتر از ۰/۰۵ بدست آمده است. بنابراین می توان گفت که بین متغیرهای مستقل تحقیق با حق الزحمه حسابرسی در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معناداری وجود دارد. همچنین ضریب برآوردی متغیرهای کنترلی به غیر از نرخ بازده دارایی که کمتر از سطح اطمینان ۰/۰۵ است؛ مابقی متغیرهای کنترلی (سهامداران نهادی، استقلال هیئت مدیره و اندازه هیئت مدیره) با حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری دارد.



۷- خلاصه نتایج پژوهش

نتیجه	عنوان	فرضیه
تایید شد	بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.	اول
تایید شد	بین استقلال کمیته حسابرسی و حق الزحمه د سایر سی رابطه معناداری وجود دارد	دوم
رد شد	بین اندازه کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.	سوم
تایید شد	کیفیت اطلاعات حسابداری بر رابطه بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی تاثیر معناداری دارد.	چهارم
تایید شد	کیفیت اطلاعات حسابداری بر رابطه بین استقلال کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی تاثیر معناداری دارد.	پنجم
رد شد	کیفیت اطلاعات حسابداری بر رابطه اندازه کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی تاثیر معناداری دارد.	ششم

۸- بحث و نتیجه گیری

بحث و موضوع اصلی در این پژوهش بررسی ارتباط بین ویژگی های کمیته حسابرسی با حق الزحمه حسابرسی بود که در ادامه مطالعات پژوهشگرانی از قبیل؛ پائول و گرگوری (۱۹۹۶)، ابوت و همکاران (۲۰۰۳)، استوارت و کنت، (۲۰۰۶)؛ کریشنان و ویسونانان (۲۰۰۹)؛ زمان و همکاران (۲۰۱۱) و چان و همکاران (۲۰۱۳) در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به آن پرداخته شد

از نظر تنوع یک ارتباط بین ویژگی های کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی در تحقیقات مختلف بدین گونه بیان شده است که ویژگیهای کمیته حسابرسی می تواند بر حق الزحمه حسابرسی اثرگذار باشد. بحثی که در این مورد مطرح می شود، این است که آیا کمیته های حسابرسی در شرکتهای ایرانی و با ویژگی های مورد مطالعه (تخصص مالی، استقلال و اندازه) بر حق الزحمه حسابرسی در این شرکتهای اثر گذار است یا خیر؟ پاسخ به این سوال خود منعکس کننده هدف اصلی این مطالعه می باشد. جهت آزمون فرضیه های پژوهش در بورس اوراق بهادار تهران (جامعه آماری) طی سالهای ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۸، نمونه ای به صورت حذف سیستماتیک انتخاب گردید که متشکل از ۱۱۳ شرکت بوده است. مطالعات پیشین پیرامون اثربخشی کمیته حسابرسی، نشان می دهند که ترکیب و ویژگیهای اعضای کمیته حسابرسی در موفقیت آن نقش اساسی دارد. به عنوان مثال، فراتحلیل انجام شده توسط لین و هوآنگ (۲۰۱۰) نشان می دهد که برخی از ویژگی های کمیته حسابرسی موجب افزایش اثربخشی آن می شود. این ویژگی ها که اغلب مطالعات تجربی نیز بر روی آنها تمرکز داشته اند شامل، تخصص مالی، استقلال، اندازه کمیته حسابرسی است. همچنین، این ویژگی ها به صورت جداگانه و یا همراه با دیگر ویژگی ها، با اثربخشی کمیته حسابرسی در بهبود حاکمیت شرکتی، به ویژه در رابطه با ارتقاء کیفیت گزارشگری مالی مرتبط هستند (مارتینف و همکاران، ۲۰۱۵)، در ارتباط با این موضوع، فخاری و همکاران (۱۳۹۴)، به بررسی ویژگی های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی در شرکت های عضو بورس اوراق

بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش آنها حاکی از ارتباط معناداری بین ویژگی های کمیته حسابرسی و مدیریت سود از طریق اقلام واقعی بود.

نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش وجود رابطه مثبت و معنادار بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی را نشان داد، که حاکی از پذیرش فرضیه فوق است. نتیجه این فرضیه، مشابه با نتایج پژوهش ابوت و همکاران (۲۰۰۳) و مخالف با نتایج پژوهش کریشنان و ویسواناتان (۲۰۰۹) و زمان و همکاران (۲۰۱۱) است. در فرضیه دوم پژوهش به آزمون وجود رابطه بین استقلال کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی پرداخته شده است. نتیجه آزمون رابطه مثبت و معناداری را نشان داد، که حاکی از پذیرش فرضیه فوق است. نتیجه این فرضیه مشابه با نتایج ابوت و همکاران (۲۰۰۳) و زمان و همکاران (۲۰۱۱) و مخالف با نتایج چان و همکاران (۲۰۱۳) است.

در ادامه نتایج آزمون فرضیه سوم حاکی از عدم وجود رابطه معنادار بین اندازه کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی بود، که نشان از رد فرضیه فوق است. نتیجه این فرضیه، مشابه با نتایج پژوهش چان و همکاران (۲۰۱۳) و مخالف با نتایج زمان و همکاران (۲۰۱۱) که ارتباط مثبت و معناداری را بین اندازه کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی مشاهده کردند، است. قابل ذکر است که در پژوهش ابوت و همکاران (۲۰۰۳) ویژگی اندازه کمیته حسابرسی بررسی نشده است.

به طور کلی نتایج پژوهش حاضر حاکی از این است که وجود کمیته حسابرسی در شرکت می تواند با افزایش حق الزحمه حسابرسی ارتباط داشته باشد که این موضوع در پژوهش های پائول و گرگوری (۱۹۹۶) و استوارت و کنت (۲۰۰۶)، نیز اثبات شده است. دلیل این امر با توجه به ادبیات پژوهش می تواند درخواست کیفیت حسابرسی بالاتر توسط اعضای کمیته حسابرسی و افزایش دامنه حسابرسی و در نهایت حق الزحمه حسابرسی باشد.

اثربخشی کمیته حسابرسی تا حد زیادی به منابع در دسترس و تعداد اعضای تشکیل دهنده آن مربوط است (ابوت و همکاران، ۲۰۰۴). اگر چه هیچ اندازه دقیقی برای کمیته حسابرسی در نظر گرفته نشده است، ولی بیشتر مطالعات قبلی و الزامات قانونی نشان می دهد که کمیته حسابرسی باید دارای سه تا پنج عضو، و ترجیحا از اکثریت مدیران مستقل تشکیل شده باشد ابوت و همکاران، ۲۰۰۴؛ برانسون و همکاران، ۲۰۰۹). پژوهش های پیشین نشان میدهند که احتمال افزایش نفوذ در سازمان و درخواست برای حسابرسی با کیفیت تر برای کمیته حسابرسی بزرگتر، بیشتر است (کالبرز و فر گارتی، ۱۹۹۳)، که این خود باعث افزایش حق الزحمه حسابرسی می شود. هر چه اندازه کمیته حسابرسی بزرگتر باشد، وظیفه نظارتی اعضای کمیته حسابرسی بهتر صورت می پذیرد و در ادامه عملکرد شرکت نیز بهبود می یابد (یانگ و کریشنان، ۲۰۰۵؛ دالتون و همکاران، ۱۹۹۹). نتایج پژوهش زمان و همکاران (۲۰۱۱) نشان از رابطه مثبت و معنادار بین اندازه کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی دارد. اما مخالف با یافته های آنها، چان و همکاران (۲۰۱۳) ارتباط معناداری بین اندازه کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی مشاهده نکردند.

کمیته حسابرسی برای این که بتواند اثربخش عمل کند، باید مستقل از واحد اقتصادی باشد. برای حفظ استقلال، اعضای کمیته حسابرسی باید از بین مدیران غیر موظف یا خارج از سازمان انتخاب شوند. مدیرانی که ارتباط آنها با واحد اقتصادی به گونه ای نیست که به استقلال آنها خدشه ای وارد شود. بیزلی و همکاران (۲۰۰۰) دریافتند که کمیته حسابرسی در شرکتهایی که گزارشگری متقلبانه دارند، از استقلال کمتری نسبت به دیگر شرکت ها



برخوردار است. یافته های کارسلو و نیل (۲۰۰۰) نشان از آن دارد که احتمال صدور اظهارنظر عدم تداوم فعالیت برای شرکت هایی که دچار بحران مالی شده اند و کمیته های حسابرسی مستقلی دارند، کمتر است ابوت و همکاران (۲۰۰۳) ارتباط مثبتی بین استقلال اعضای کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی پیدا کردند. نتایج بیزلی و همکاران (۲۰۰۰)، کارسلو و نیل (۲۰۰۰) و ابوت و همکاران (۲۰۰۳) بر این نظریه استوار است که کمیته های حسابرسی مستقل هیچ وابستگی شخصی یا مالی با مدیریت اجرایی ندارند. بنابراین ممکن است یک کمیته حسابرسی مستقل در مورد برخی مسائل با مدیریت مخالفت کند (بی سینگر و باتلر، ۱۹۸۵). انتظار می رود مدیرانی که مستقل از عملیات اجرایی شرکت هستند، طالب حسابرسی با کیفیت بوده و بیشتر در پی کاهش تقلب و مدیریت سود باشند (بیزلی، ۱۹۹۶؛ پیژنل و همکاران، ۲۰۰۵). بنابراین زمانی که اعضای کمیته حسابرسی از مدیران مستقل تشکیل شده باشد، قادر خواهند بود نفوذ بیشتری بر مدیریت اجرایی برای درخواست دامنه حسابرسی بیشتر، در جهت اطمینان از کیفیت حسابرسی اعمال کنند. این امر خود موجب افزایش حق الزحمه حسابرسی می شود. نتایج پژوهش زمان و همکاران (۲۰۱۱) نیز این نظریه را تأیید می کند. یافته های آنها رابطه مثبتی بین استقلال کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی نشان داد. در مقابل، یافته های چان و همکاران (۲۰۱۳) حاکی از ارتباط منفی بین استقلال کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی بود.

اعضای کمیته حسابرسی باید از دانش و تخصص حسابداری و مالی لازم و کافی برخوردار باشند. بدون دانش و تخصص حرفه ای، اعضا قادر به درک مناسب اطلاعات حسابداری و گزارش های مالی واحد اقتصادی نیستند. از این رو، نمی توانند به طور اثربخش عمل کنند. دیدگاه های نظری و عملی ارائه شده در بسیاری از پژوهش ها نشان میدهند که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی سبب اثربخشی بیشتر آن می شود (دوالیوال، ۲۰۱۰). اعضای دارای تخصص مالی نقش های نظارتی خود در فرآیند گزارشگری مالی را از قبیل شناسایی تحریفات عمده، مؤثرتر انجام می دهند (دفوند و همکاران، ۲۰۰۵). کریشنان (۲۰۰۵) شواهدی مبنی بر اینکه کمیته های حسابرسی دارای تخصص مالی به احتمال کمتری در گیر مشکلات کنترل داخلی می شوند، ارائه کرد. از طرفی ممکن است اعضای فاقد تخصص مالی در کمیته حسابرسی، توانایی لازم را برای حفظ کیفیت حسابرسی نداشته باشند (تورلی و زمان، ۲۰۰۴). بنابراین انتظار می رود کمیته های حسابرسی که حداقل یک عضو دارای تخصص مالی دارند، بیشتر از سایرین به کیفیت حسابرسی توجه داشته باشند. ابوت و همکاران (۲۰۰۳) ارتباط مثبت و معناداری بین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی نشان دادند. یافته های کریشنان و ویسواناثان (۲۰۰۹) حاکی از رابطه منفی بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی است. در مقابل، زمان و همکاران (۲۰۱۱) ارتباط معناداری بین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی مشاهده نکردند.

۹- منابع فارسی و لاتین

- ارباب سلیمانی و نفری (۱۳۷۸). "نقش و روابط حسابرس، کمیته حسابرسی و هیئت مدیره در پاسخگویی به سهامداران"، مجله حسابرس، شماره ۵۶.
- اشرفزاده، حمیدرضا و نادر مهرگان، "اقتصادسنجی پائل دیتا". تهران، نشر دانشگاه تهران موسسه تحقیقات تعاون، ۱۳۸۷.
- بنی مهد، بهمن و بهاری، امیر (۱۳۹۳). "رابطه بین تعداد بندهای حسابرسی و مدت تصدی مدیرعامل با ارائه به موقع صورت های مالی"، فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال سوم، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۹۳.



بنی مهد، بهمن و محسنی شریف، محسن (۱۳۸۹). "بررسی عوامل موثر بر رتبه بندی شرکت های بورس اوراق بهادار تهران از لحاظ کیفیت افشاء و به موقع بودن"، مجله حسابداری مدیریت، سال سوم، شماره هفتم، زمستان ۱۳۸۹.

بیات، علی و احمدی، سعید علی (۱۳۹۳). "تاخیر حسابرسی و به موقع بودن گزارشگری مالی"، فصلنامه پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ششم، شماره بیست و دوم، تابستان ۹۳، صص ۹۷-۱۲۱.
حافظ نیا، م؛ ۱۳۸۹، "مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی"، انتشارات سمت.
حساس یگانه، یحیی؛ داداشی، امید؛ تابستان ۱۳۸۹، "بررسی اثر حاکمیت شرکتی بر اظهار نظر حسابرسان مستقل، مجله حسابداری مدیریت"، سال سوم، شماره پنجم.

رهنمای رودپشتی، فریدون و همتی، هدی (۱۳۸۸). "سنجش ارتباط بین سرمایه فکری با متغیرهای نوین سنجش عملکرد مبتنی بر ارزش آفرینی، دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، دوره ۲، شماره ۲، صص ۱۱۱-۱۳۴.
زارع چاهوکی، م؛ ۱۳۸۹، "تجزیه و تحلیل داده ها در پژوهش های منابع طبیعی با نرم افزار SPSS"، انتشارات جهاد دانشگاهی.

سجادی سید حسین، زراءنژاد منصور و جعفری علیرضا (۱۳۸۸)، "ویژگیهای غیرمالی موثر بر کیفیت گزارشگری مالی در ایران"؛ بررسیهای حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۶، شماره ۵۷، صص ۲۶-۵۱.
شیرین بخش، شمس الله، و زهرا خوانساری، "کاربرد Eviews در اقتصادسنجی"، تهران، انتشارات پژوهشکده اقتصادی، ۱۳۸۴.

فخاری، حسین؛ محمدی، جواد و حسن نتاج کردی، محسن (۱۳۹۴). "بررسی اثر ویژگی های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی"، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی-سال ۱۲- شماره ۴۶- تابستان ۱۳۹۴- صص ۱۲۳-۱۴۶

کاشانی پور، محمد و امیر رسائیان، (۱۳۸۷). "حاکمیت شرکتی و کنترل"، مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، سال بیستم، شماره پیاپی ۵۰، صص ۱۶۹-۱۴۲.
کمیته تدوین استانداردها (۱۳۹۱). "استانداردهای حسابرسی نشریه" 121، انتشارات سازمان حسابرسی.
مولودی، عبدالله. (۱۳۸۸). "رابطه حاکمیت شرکتی و ارزش ایجاد شده برای سهامداران". پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت بازرگانی، دانشکده علوم اقتصادی، دانشگاه تهران. صفحات ۸۰-۴۵.

نمازی، محمد و زراعت گری، رامین. (۱۳۸۸). "بررسی کاربرد نسبت Q توبین و مقایسه ی آن با سایر معیارهای ارزیابی عملکرد مدیران در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". پیشرفت های حسابداری، ۱ (۱): ۲۳۱-۲۶۲.

نورانی، ذ.، ۱۳۸۶، "تأثیر هموارسازی سود بر بازده شرکت ها"، حسابدار، شماره ۱۸۶، صص ۱۰-۳.

همتی حسن، معین الدین، محمود و مظفری شمسی، مریم (۱۳۸۹). "بررسی ارتباط بین سرمایه فکری و ارزش بازار و عملکرد مالی شرکت های غیر مالی، حسابداری مالی، دوره ۲، شماره ۷، صص ۲۳-۴۸.

Arense and Loebbecke. (2003). The association between audit committee characteristics and audit fees. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 22, 17-32.

Beasley, M. S., & Salterio, S. E. (2001). The relationship between board characteristics and voluntary improvements in audit committees composition and experience. *Contemporary Accounting Research*, 18(4), 539-570

Bedard, J., Chtourou, S.M. & Courteau, L. (2004), The effect of audit committee expertise, independence, and activity on aggressive earnings management, *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 23



- Bradbury, M. E. (1994). Board characteristics, audit committee characteristics and abnormal accruals. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=535764>. Accessed September 28, 1994.
- Brooking A, (1997). Intellectual capital, International Thompson business, press London, 1
- Cadbury Report. (1992). Report of the Committee on the Financial Aspects of Corporate Governance. London: Gee.
- Cohen, J & Park. (2004). Form versus substance: The implications for auditing practice and research of alternative perspectives on corporate governance. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 27(2), 181–198.
- Collier (1996). The corporate governance mosaic and financial reporting quality. *Journal of Accounting Literature*, 23(1), 87–152.
- Consuelo & de Fuentes. (2007), 'the role of audit committees in decreasing earnings management: Korean evidence', *International Journal of Accounting, Auditing and Performance Evaluation*, vol. 1, no. 1, pp. 37-60.
- Davidson, R. A., Zay, P & XU (2004). Audit Committee Brief: Required communications from independent auditors. Available at: http://www.deloitte.com/assets/Dcom-UnitedStates/Local%20Articles/AERS/Governance%20Services/us_aers_acbrief_jan2010.pdf
- Deli and Gillan. (2000). Audit committee member support for proposed audit adjustments: Pre-SOX versus Post-SOX judgments. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 27(1), 85–104.
- Espingler & Brayota. (1990). Empirical analysis of audit delay. *Journal of Accounting Research*, 25(2), 275–292.
- Jensen, M.C. (1976). The modern industrial revolution, exit, and the failure of internal control systems. *The Journal of Finance*, 48(3), 831–880.
- Kaeselo, A & Nil, k, (2001) "Additional evidence audit report lag." *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 20(1):137-146.
- Kalbers, L., & Fogarty, T. (1993). Audit committee effectiveness: An empirical investigation of the contribution of power. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 12(1), 24–49.
- Kaplan, R. S., and Norton, D. P. (1996). *The Balanced Scorecard – Translating Strategy into Action*, Harvard Business School Press, Boston.
- Karvinson & Vafis. (2005). Additional evidence on audit report lag. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 20(1), 137–146.
- Klein, A. (2002). Audit committee, board of director characteristics, and earnings management. *Journal of Accounting and Economics*, 33(3), 375–400.
- Lu, W. M.; Wang, W. K.; Tung, W. T. & F. Lin. (2010). "Capability and Efficiency of Intellectual Capital: The Case of Fabless Companies in Taiwan", *Expert systems with applications*, Vol. 37, 546-555.
- Lutz Kaufmann, Yvonne Schneider, (2004) "Intangibles: A synthesis of current research", *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 5 Iss: 3, pp.366 - 388
- Marr, B., Schiuma, G., and Neely, A. (2004). The dynamics of value creation: Mapping your intellectual performance drivers, *Journal of Intellectual Capital*, 5 (2), 312–325.
- McDaniel, L., Martin, R.D., & Maines, L.A. (2002). Evaluating financial reporting quality: The effects of financial expertise vs. financial literacy. *The Accounting Review*, 77, B9–167 (Supplement).
- McMullen. (1996). Evaluating financial reporting quality: The effects of financial expertise vs. financial literacy. *The Accounting Review*, 77, B9–167 (Supplement).
- Personeiz. (2009). Audit committees: Good practices for meeting market expectations (2nd Ed.) (Available at: <http://www.pwc.com/gx/en/ifrsreporting/corporate-governance-publicationsaudit-committees.jhtml>).
- Pincus, Rusbarsky & Wong. (1999). Audit committees: Good practices for meeting market expectations (2nd ed.) (Available at: <http://www.pwc.com/gx/en/ifrsreporting/corporate-governance-publicationsaudit-committees.jhtml>).
- Pulic, A. (1998). Measuring the Performance of Intellectual Potential in Knowledge Economy. Available online: <http://www.measuringip.at/papers/Pulic/Vaictxt/vaictxt.html>.
- Romsy (2001), Earnings management through real activities manipulation, *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 42 .

6th International & National Conference on Management Studies, Accounting & Law

20 June 2022 - Tehran

ششمین کنفرانس بین المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق
۳۰ خرداد ۱۴۰۱ - تهران



- Salterio, S. (2011). Fifteen years in the trenches: Auditor–client negotiations exposed and explored. *Accounting and Finance*, 52(2011, Suppl.), 233–286.
- Smaail, kChandler. R., (2004), "The Timeliness of Quarterly Financial Reports of Companies in Malaysia", Working Paper. Online at [www. Ssm.com](http://www.Ssm.com).
- Vera-Munoz (2005), Audit committees, boards, and the quality of reported earnings, *Contemporary Accounting Research*, Vol. 22.
- Viknair, Hickman & Carnes, (2011), "Internal Control Reporting by Non-Accelerated Filers, Ph.D. Dissertation, Florida International University, 131; AAT 3484188
- Wilson and White, H. (1980). A heteroskedasticity-consistent covariance matrix estimator and a direct test for heteroskedasticity. *Econometrica*, 48(4), 817–838.